

سقط جنین در مسیحیت

حسین سلیمانی (L.L.M.)

- هیئت علمی پژوهشی، گروه ادیان ابراهیمی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ایران.
- دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

در میان مسائل اخلاقی مجموعه‌ی عهد جدید هیچ‌یک صریحی از سقط جنین به میان نیامده است. با این همه، از همان آغاز، دانشمندان و فرقه‌های مسیحی به مسئله سقط جنین توجه نشان داده‌اند. به اعتقاد کلیسای کاتولیک رم، جنین از لحظه انعقاد نطفه، انسانی کامل است و حق حیات دارد؛ از این رو، این کلیسا از آغاز پیدایش جنین، هرگونه اقدام به سقط جنین را نکوهش کرده است. در دیداچه، یکی از نخستین کتاب‌های راهنمای تعالیم مسیحی، چنین آمده است: «کودک را با سقط کردن نکش و باعث هلاکت نوزاد نیز نشو.» در یکی دیگر از اسناد مسیحی، سقط جنین از «گناهان نفرت‌انگیز» شمرده شده است. گرچه برخی از دانشمندان، دمیده شدن روح را ملاک جواز یا عدم جواز سقط جنین می‌دانستند، کلیسای کاتولیک در قرن نوزدهم رسماً این دیدگاه را رد کرد و اعلام کرد که جنین در هر مرحله‌ای که باشد، سقط آن ناروا است و ساقط‌کننده جنین به مجازات شرعی طرد محکوم می‌شود. یکی از مهم‌ترین اشکالاتی که به این عقیده کلیسای کاتولیک وارد شده این است که جنین ممکن است زندگی مادر را در خطر مرگ قرار دهد؛ اما مطابق آموزه فوق حتی در اینجا نیز نمی‌توان اقدام به سقط کرد. کاتولیک‌ها در پاسخ به این ایراد قاعده «نتیجه دوگانه» را برای حفظ جان مادر پیشنهاد کرده‌اند. بر طبق این قاعده، برای مثال، اگر زن بارداری به سرطان رحم مبتلا باشد، پزشک می‌تواند برای نجات جان وی رحم سرطانی را بیرون بیاورد. در اینجا پزشک و مادر، مرگ جنین را قصد نکرده‌اند، بلکه یک عمل مشروع را برای درمان بیماری وی انجام داده‌اند، گرچه نتیجه قهری آن مرگ جنین است. در مقابل دیدگاه کلیسای کاتولیک، بسیاری از دانشمندان پروتستان و ارتدوکس و دیگر فرقه‌های مسیحی به ویژه در دوران اخیر جنین را انسان بالقوه شمرده‌اند، که دارای حقوقی بر گردن زن باردار و دیگران است؛ با این همه در مواردی اسقاط آن نیز قابل توجیه است (مانند زمانی که جان مادر در خطر باشد). الهی‌دانان فمینیست، با ارائه تفسیر دیگری از رابطه جنین و مادر، اجازه داده‌اند که اگر بارداری برای مادر خطری به وجود آورد، وی به سقط آن اقدام کند.

کلید واژگان: سقط جنین، مسیحیت، حقوق مادر، اخلاق مسیحی.

مسئول مکاتبه: حسین سلیمانی، ۴۵ متری صدوق، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل، شماره ۹۹، صندوق پستی ۱۷۸-۳۷۱۸۵، قم، ایران.

پست الکترونیکی: ho_soleimani@yahoo.com

مقدمه

توجه به موضوع سقط جنین از مسائلی است که همواره مورد توجه نظام‌های حقوقی و دینی بوده است. به ویژه در نظام‌های دینی، که برای جان آدمی ارزش و حرمت مطلق قائل‌اند، توجه به جنین و سقط وی در شرایط خاص، جایگاهی ویژه دارد. در این میان، مسیحیت که یکی از ادیان ابراهیمی (در کنار یهودیت و اسلام) است و تعالیم آن بیشتر رنگ و بوی اخلاقی دارد به موضوع سقط جنین نیز توجهی تام داشته است. در این نوشته از دیدگاه پیروان این دین به این موضوع مهم اشاره شده است.

الف) سقط جنین در عهد جدید:

در عهد جدید، یعنی آن بخش از کتاب مقدس یهودی-مسیحی که فقط مسیحیان به آن باور دارند، هیچ زکری از سقط جنین به میان نیامده است. رویکرد این بخش از کتاب مقدس رویکردی اخلاقی است و در آن به مسائل مربوط به شریعت و قانون پرداخته نمی‌شود. حتی مسائل فقهی عهد قدیم نیز در این جا تفسیری اخلاقی دارند: «شنیده‌اید که به اولین گفته شده است: قتل مکن، و هر که قتل کند سزاوار حکم شود؛ لیکن من به شما می‌گویم هر که به برادر خود بی‌سبب خشم گیرد مستوجب حکم باشد و هر که برادر خود را «قا» گوید مستوجب قصاص باشد و هر که «احمق» گوید مستحق آتش جهنم بود» (۱).

در میان این مجموعه تعالیم اخلاقی هیچ عبارت صریحی که سقط جنین را نکوهش کند وجود ندارد. حتی در میان احکام فقهی تورات نیز به سقط جنین پرداخته نشده است؛ مگر به سقط جنین زنی در جریان نزاع که سقط کننده باید با پرداخت مبلغی به شوهر زن جبران خسارت کند (۲).

ب) سقط جنین از دیدگاه فرقه کاتولیک:

۱- *شأن انسانی جنین:* با این همه، متفکران مسیحی از همان سده نخست میلادی به مسئله سقط جنین

پرداخته‌اند. موضوع سقط جنین همواره از موضوعات بحث‌برانگیز بوده و اخلاق مسیحی نیز از این بحث‌ها برکنار نبوده است. داوری‌های اخلاقی گوناگون درباره سقط جنین عمدتاً برخاسته از نگرش به شأن و وضعیت اخلاقی جنین است. در این باره دست‌کم سه دیدگاه وجود دارد:

- جنین صرفاً یک بافت (نسج) است، و نه چیز دیگر؛

- جنین، انسان بالقوه است؛

- جنین، انسان کامل است و تمام حقوق انسان‌های دیگر را داراست (۳).

کلیسای کاتولیک رم دیدگاه سوم را پذیرفته است. به اعتقاد کاتولیک‌ها جنین از همان لحظه انعقاد نطفه انسان کامل است و حق حیات دارد. زندگی انسان از همان آغاز پیدایش محترم است و وی را باید دارای تمام حقوق، از جمله حق همیشه پایدار حیات دانست (۴). متفکران مسیحی فقرات چندی از کتاب مقدس را شاهد بر این احترام و توجه آورده‌اند:

«کلام خداوند بر من [ارمیا، یکی از انبیای بنی اسرائیل] نازل شده، گفت: قبل از آنکه تو را در شکم صورت بندم، تو را شناختم و قبل از بیرون آمدنت از رحم، تو را تقدیس نمودم و تو را نبی امت‌ها قرار دادم» (۵).

«ای خداوند! مرا در رحم مادرم نقش بستی ... استخوان‌هایم از تو پنهان نبود، وقتی که در نهان ساخته می‌شدم و در اسفل زمین نقشبندی می‌گشتم» (۶).

۲- *منع مطلق سقط جنین:* با توجه به این تفسیر از شأن و جایگاه جنین و نیز این اصل اخلاقی که کشتن انسان بی‌گناه همواره نادرست است، کلیسای کاتولیک رم از همان آغاز هرگونه اقدام مستقیم برای سقط جنین را منع و نکوهش کرده است. (۷) حتی گفته‌اند یکی از عواملی که باعث جدایی و تمایز مسیحیان اولیه از کافرکیشان بوده، مسئله سقط جنین و طفل‌کشی بوده است، چرا که مسیحیان برخلاف کافران، به شدت با سقط جنین و طفل‌کشی مخالف بوده‌اند (۸).

مقرر کرد که همه جنین‌های سقط‌شده باید غسل تعمید داده شوند، و این امر آشکارا بیان می‌کند که جنین متولد نشده از لحظه آبستنی انسانی کامل است. این دیدگاه را شورای واتیکانی دوم (۱۳) و پاپ پل ششم (۱۴) نیز تأیید و بر آن تأکید کردند.

۳- مجازات سقط جنین: در تعالیم کلیسای کاتولیک رم، مبادرت به سقط جنین گناهی بزرگ است که مجازات شرعی طرد را در پی دارد. این مجازات به طور قهری و خودکار و بدون نیاز به حکم، منوط به شرایط مقرر در قانون شرع اعمال می‌شود. (۱۵) به بیان نویسنندگان کتاب رسمی تعالیم دینی کلیسای کاتولیک: «کلیسا نمی‌خواهد از این رهگذر [= تمسک به حکم شدید محکومیت قهری طرد] دامنه عفو را محدود کند، بلکه درصد آن است که شدت گناه ارتکاب یافته و صدمه جبران‌ناپذیری را که بر بی‌گناهی که به مرگ افکنده شده و نیز بر والدین و تمام جامعه وارد شده است، نشان دهد» (۱۶).

از آنجا که تعالیم کلیسا تعالیمی اخلاقی‌اند و ضمانت اجرای رسمی ندارند، کلیسا وظیفه دفاع از حقوق جنین و مجازات ناقضان حقوق وی را بر عهده دستگاه‌های رسمی قانون‌گذاری و حکومت‌ها نهاده است:

«حقوق جدایی‌ناپذیر انسان را باید جامعه مدنی و قدرت سیاسی به رسمیت بشناسند و آن را محترم بشمارند. این حقوق انسانی نه فقط از آن افرادند و نه از آن والدین آنان. این حقوق نشانه امتیازی از سوی جامعه و دولت نیز نیستند، بلکه حقوقی مربوط به طبیعت انسانی‌اند و به اتکای عمل خالقانه‌ای که خاستگاه شخص از آنجاست، ذاتی اویند. حق زندگی کردن و احترام به تمامیت جسمانی همه انسان‌ها از لحظه انعقاد نطفه تا مرگ را باید در زمره این حقوق اساسی شمرد. به محض اینکه یک قانون موضوعه دسته‌ای از انسانها را از حمایتی که قانون‌گذاری رسمی ملزم به اعطای آن به ایشان است محروم کند، دولت تساوی همگان در

نخستین منع صریح سقط جنین را در دیدار می‌توان سراغ گرفت. این کتاب راهنمای تعالیم مسیحی در اواخر سده نخست میلادی یا اوایل قرن دوم نوشته شده است. در بخش نخست این کتاب «دو طریق زندگی و مرگ» با هم مقایسه می‌شوند. یکی از احکامی که نشانه «طریق زندگی» برای مسیحیان است، این حکم است: «کودک را با سقط کردن نکش و باعث هلاکت نوزاد نیز نشو» (۹).

در یکی دیگر از اسناد قدیمی مسیحی آمده است: «خداوند، که مالک زندگی است، وظیفه شکرهمند حفظ زندگی را به آدمیان وانهاده است. آدمیان باید این وظیفه را به شیوه‌ای شایسته به انجام رسانند. باید از لحظه بارداری با کمال دقت از زندگی صیانت کرد: سقط جنین و طفل‌کشی گناهیانی نفرت‌انگیزند» (۱۰).

ترتولیان، یکی از الهی‌دانان قدیم مسیحی، جنین را از لحظه انعقاد نطفه انسان کامل می‌داند. به اعتقاد وی، سقط جنین فقط آنگاه مجاز است که برای نجات جان مادر ضرور باشد. آگوستین، دیگر عالم بزرگ مسیحی، بین جنینی که روح در آن دمیده شده باشد و جنین بی‌روح تفکیک کرده است. وی گرچه سقط این هر دو دسته را منع و نکوهش می‌کند، این عمل را فقط در صورت دمیده شدن روح، سقط جنین تلقی می‌کند.

در قرن سیزدهم میلادی، توماس آکوئیناس، بزرگ‌ترین الهی‌دان مسیحیت در قرون وسطی، به تبع ارسطو، قائل شد که در پسران در حدود چهلمین روز پس از بارداری و در دختران در حدود روز هشتادم (۱۱)، و یا به نقلی روز نودم، (۱۲) پس از حاملگی روح دمیده می‌شود. اندیشه آکوئیناس و آگوستین باعث شد که در شدت و خفیف بودن قبح سقط جنین، بسته به اینکه جنین در چه مرحله‌ای باشد، تمایز گذاشته شود. با این همه، این تفکر را کلیسای کاتولیک رم رسماً در قرن نوزدهم کنار نهاد. در سال ۱۸۶۹ پاپ پیوس نهم اعلام کرد که مجازات طرد برای سقط جنین در هر مرحله‌ای که باشد اعمال می‌شود. در سال ۱۹۱۷ مجموعه قوانین شرعی جدید

به کار برد و نتیجه خوب باید بر نتیجه بد غالب باشد یا دلیلی باید وجود داشته باشد که اجازه دهیم نتیجه بد به وقوع بپیوندد.

در موضوع بحث حاضر، اگر یک زن باردار سرطان رحم داشته باشد یا بارداری در لوله شیپوری رحم صورت گرفته باشد، زن می‌تواند از پزشک بخواهد که اقدامات لازم را برای حفظ جان وی انجام دهد، گرچه این اقدامات منجر به مرگ جنین شود. بر طبق قاعده «نتیجه دوگانه»، برداشتن رحم سرطانی راهی مشروع و قانونی برای درمان سرطان رحم است. زن باردار و پزشک او مرگ جنین را قصد نکرده‌اند، گرچه آن را پیش‌بینی کرده‌اند؛ مرگ جنین وسیله‌ای برای حفظ زندگی زن باردار نیست و دلیل مناسب (نجات جان مادر) نیز برای انجام این اقدام وجود دارد. از این رو، گرچه پیامد ثانوی این عمل، مرگ جنین است اما اخلاقاً درست است (۱۹).

البته این روش استدلال را نمی‌توان به همه مواردی که ادامه بارداری سلامت مادر را تهدید می‌کند، تسری داد؛ برای مثال، اگر تداوم بارداری به قلب ضعیف مادر آسیب برساند، نمی‌توان به استناد قاعده فوق جان مادر را نجات داد، چرا که در این صورت باید مرگ جنین به طور «مستقیم» اراده شود و این با قاعده مزبور ناسازگار است (۲۰).

ج) دیدگاه فرقه‌های دیگر:

الهی‌دانان و کلیساهای مسیحی در قبال نهضت‌های جدید درباره سقط جنین دیدگاه‌های متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. از سویی، بسیاری از پروتستان‌ها از همان موضع ضد سقط جنین شدید کاتولیک‌ها دفاع می‌کنند. این گروه‌ها عموماً از قانون‌گذاری بر ضد سقط جنین حمایت، و از حق حیات جنین دفاع می‌کنند. از سوی دیگر، دیدگاه کاملاً مخالفی در این باره وجود دارد که پیروان آن بر این باورند که زنان هم اخلاقاً و هم قانوناً مجازند که سقط جنین را انتخاب کنند. گروه سوم راهی

برابر قانون را انکار کرده است. اگر دولت قدرتش را در خدمت حق شهروندان، به ویژه شهروندان ضعیف‌تر، قرار ندهد، شالوده دولت نیز که مبتنی بر قانون است، سست می‌شود... قانون باید به عنوان پیامد احترام و حمایتی که باید برای طفل زاده‌نشده از همان لحظه انعقاد نطفه تضمین کرد، ضمانت اجرایی کیفری مناسبی را برای نقض عمده حقوق این کودکان در نظرگیرد» (۱۷). از آنجا که براساس این آموزه‌ها، جنین از زمان انعقاد نطفه انسان شمرده می‌شود، باید مانند همه انسانها از سلامتش دفاع و از آن مراقبت کرد و آن را درمان نمود. بر این اساس، تشخیص پزشکی پیش از زایمان اگر به منظور محافظت از جنین یا درمان آن باشد اخلاقاً مجاز است؛ اما اگر این کار با این قصد صورت گیرد که مشخص شود آیا جنین بیماری خاصی دارد یا نه و نتیجه آن چه بسا منجر به سقط جنین شود به شدت با قانون اخلاقی مغایر است: «تشخیص پزشکی نباید با مجازات مرگ برابر باشد» (۱۸).

۴- اشکالات دیدگاه کاتولیک‌ها: به آموزه‌های کلیسای کاتولیک درباره سقط جنین ایراداتی وارد شده است. یکی از مهم‌ترین این اشکال‌ها آن است که حتی اگر بارداری باعث شود که خطر جدی برای زندگی مادر به وجود آید و خطر مرگ وی را تهدید کند، آیا در این‌جا هم نمی‌توان جنین را مهاجم دانست و در نتیجه با استناد به قاعده دفاع مشروع، از بین بردن وی را برای نجات جان مادر روا شمرد؟ کاتولیک‌ها این پرسش را چنین پاسخ داده‌اند: ممکن است براساس قاعده «نتیجه دوگانه» یا دوگانگی اثر، گاهی اعمالی که برای حفظ زندگی مادر انجام می‌شوند حتی اگر به مرگ جنین منجر شوند اخلاقاً روا باشند. براساس این قاعده، یک عمل باید خوب یا دست‌کم علی‌السویه باشد؛ عامل باید نتیجه خوب را قصد کند نه اثر و نتیجه بد را، گرچه شاید وی بتواند آن نتیجه بد را پیش‌بینی کند. نتیجه بد را نمی‌توان مانند وسیله‌ای برای نتیجه خوب

میان این دو را برگزیده است. این گروه، گرچه در خود نیز بی‌اختلاف نیستند، معتقدند که سقط جنین ممکن است گاهی اخلاقاً مجاز باشد. به نظر اینان، سقط جنین نه عملی خنثی است و نه قتل عمد. این عمل با آنکه همواره عملی ناصواب است، گاهی از باب دفع افسد به فاسد مجاز است. براساس این عقیده، مسئولیت اصلی تصمیم به سقط جنین بر عهده زن باردار است (۲۱).

لوتر و کالوین، دو تن از بنیادگذاران آیین پروتستان، معتقد بودند که جنین از زمان انعقاد نطفه هم جسم است و هم روح. هر دوی ایشان مخالف سقط جنین در هر مرحله‌ای بودند. بیشتر فرقه‌های پروتستان از زمان شکل‌گیری تا قرن بیستم در این زمینه با کاتولیک‌ها هم‌عقیده بودند. لکن در این قرن بسیاری از پروتستان‌ها با توجه به تحولات فرهنگی عمیق دوران جدید، از جمله رویکرد تازه نسبت به مرجعیت کلیسا، رشد کثرت‌گرایی فرهنگی، دگرگونی در اخلاق جنسی، فمینیسم و... در صدد تفسیر مجدد آموزه سنتی مسیحی درباره سقط جنین برآمده‌اند (۲۲).

در مقابل دیدگاه کاتولیک‌ها که جنین را از همان زمان انعقاد نطفه، انسان کامل و دارای حقوق انسانی می‌دانند، بسیاری از الهی‌دانان پروتستان، ارتدکس و انگلیکن جنین را انسانی بالقوه زنده می‌دانند که دارای حقوق مهمی بر گردن زن باردار و دیگران است. از این دیدگاه، سقط جنین ممکن است عملی به ظاهر موجه و پذیرفتنی باشد. گستره توجیه اخلاقی سقط جنین، برای حامیان این دیدگاه، بسته به اینکه اهمیت و میزان حقوق جنین در نزد آنان چگونه باشد، متنوع است. قدر متیقن این دیدگاه میانه این است که سقط جنین برای نجات جان مادر و حفظ سلامت او از خطرهای جدی روا است (۲۳).

برخی از متفکران آیین ارتدکس شرقی سقط جنین را همیشه و به هر علت ناروا می‌دانند، مگر در موارد استثنایی که زندگی مادر در خطر جدی است. برخی از

متفکران پروتستان و انگلیکن سقط جنین را به دنبال بارداری ناشی از زنا یا به عنف یا زنا با محارم می‌پذیرند. برخی نیز سقط جنین را در مواردی که ادله مستند حاکی از آن باشد که کودک اگر متولد شود مبتلا به بیماری ژنتیکی است می‌پذیرند (۲۴). از موضوعات مورد بحث و اختلاف، آزمایش پیش از زایمان برای تشخیص نابهنجاری‌های ژنتیکی یا دیگر بیماری‌هاست. این مسئله وقتی بحث‌انگیزتر می‌شود که والدین اگر به وجود برخی بیماری‌ها پی ببرند قصد سقط جنین کنند. برخی از متفکران ارتدکس شرقی معتقدند که مقصود از آزمایش پزشکی پیش از زایمان فقط باید این باشد که والدین بتوانند برای تولد فرزندشان برنامه‌ریزی کنند و بتوانند نیازهای آتی طفل را برآورند (۲۵).

د) دیدگاه زنگرایان:

دیدگاهی دیگر درباره سقط جنین دیدگاه برخی از الهی‌دانان فمینیست در سنت‌های مختلف مسیحی، از جمله آیین کاتولیک رم است. به باور ایشان، گرچه جنین از لحظه انعقاد نطفه انسان تلقی می‌شود اما سقط جنین ضرورتاً در همه موارد ناموجه نیست. ایشان معتقدند که مخالفت با سقط جنین و نیز مخالفت با حق زنان باردار در خصوص تصمیم‌گیری درباره جنین ایشان، از تفسیر نادرست رابطه زن باردار و جنین ناشی شده است. در این تفسیر نادرست، بارداری رابطه بین دو طرف (مادر و طفل) تبیین می‌شود و زن باردار (و نیز پزشک) موظفند که جنین را نکشند. با این همه، به زعم این الهی‌دانان فمینیست، اگر این رابطه به گونه‌ای دیگر تبیین شود، پرسش اخلاقی ممکن است این باشد که «زن باردار چه موقع، چرا و تا چه حدی موظف است که زندگی جسمانی جنین را حمایت کند؟» وظیفه زن باردار، در این هنگام، نیکوکاری و احسان است و این وظیفه نیکوکاری منوط است به تصمیمات پیش‌تر او درباره رابطه جنسی، و این وظیفه ممکن است محدود باشد به خطراتی که بارداری برای وی به وجود می‌آورد (۲۶).

نتیجه‌گیری

۱- با آنکه در کتاب مقدس مسیحیان عبارتی صریح در منع سقط جنین نیامده است کلیسای مسیحی از سده نخست میلادی این عمل را به طور مطلق ممنوع دانسته است. کلیسای کاتولیک رم، با رد تمام تفاسیر مغایر، جنین را از نخستین لحظه انعقاد نطفه انسان کامل می‌داند و هرگونه اقدام به سقط جنین را گناهی بزرگ می‌شمارد که مجازات شرعی طرد را نیز در پی دارد. کاتولیکها اقدام به سقط جنین را نه برای حفظ جان مادر، که با استناد به قاعده «نتیجه دوگانه» پذیرفته‌اند. به گفته ایشان، پزشک می‌تواند برای معالجه‌ای مادر بیمار اقدام کند، گرچه نتیجه قهری این معالجه اسقاط

جنین وی باشد.

۲- پروتستانها در زمان پیدایش دیدگاه کاتولیکها را پذیرفته‌اند و کالوین و لوتر جنین را از زمان انعقاد نطفه هم جسم دانسته‌اند و هم روح؛ لکن در قرن اخیر، پروتستانها دیدگاه منعطفتری اتخاذ کرده‌اند و گفته‌اند که ممکن است سقط جنین در مواردی قابل توجیه و پذیرفتنی باشد.

۳- بسیاری از متفکران ارتدکس نیز جنین را انسان بالقوه می‌دانند که در موارد استثنایی، یعنی آنجا که جان مادر در خطر است، می‌توان به سقط آن اقدام کرد. ۴- الهی‌دانان فمینیست، با تفسیری دوباره از رابطه مادر و جنین، سقط جنین را در مواردی مجاز شمرده‌اند.

منابع

- ۱- انجیل متی، ۲۲:۵-۲۱؛ همه ارجاعات به کتاب مقدس از نسخه زیر است: کتاب مقدس. به همت انجمن پخش کتب مقدسه، ۱۹۸۵ (افست از روی نسخه ۱۹۰۴).
- ۲- رک: سفر خروج، ۲۲: ۲۱-۲۵.
- 3- James F. Childress, "Christian Ethics, Medicine And Genetics" In: Robin Gill (Ed.), The Cambridge Companion to Christian Ethics, Cambridge University Press, 1st Ed. 2001; p: 263.
- 4- Ibid; Catechism Of The Catholic Church, Veritas. 1st Ed., publication. 1994; p: 489.
- ۵- کتاب ارمیا، ۱: ۵.
- ۶- مزامیر، ۱۳۹: ۱۳-۱۵.
- 7- Ibid; Catechism Of The Catholic Church, Veritas. 1st Ed., publication. 1994; p: 489.
- 8- Richard B. Hays, The Moral Vision of the New Testament, T&T Clarch Edinburg. 2001; p: 453.
- 9- Didache 2:2; Epistle Of Barabas 19:5; Cf. Ibid; Catechism, ..., p: 489.
- 10- Gaudium Et Spes, 51 & 3; Cf. Catechism... p: 489.
- 11- E. Clinton Gardner, "Abortion", Dictionary of Ecumenical Movement, WCC Publication. 1991; p: 1.
- 12- Lisa Sowle Cahill, "Abortion", Paul Barry Clarke And Andrew Linzey (Ed.), Dictionary of Ethics, Theology And Society, Reutledge. 1997; p: 1.
- 13- Gaudium Et Spes, 1965, 51; Cf. Clinton Gardner, Op. Cit., P.L.
- 14- Humanae Vitae, 1968; Cf. Ibid.
- 15- Cf. E. Clinton Gardner, Op. Cit.; Lisa Sowle Cahill, Op. Cit.
- 16- James H. Provost, Excommunication. In: Mircea Eliade (Ed.), The Encyclopedia of Religion, V.5, pp: 218-219.
- 17- Catechism, ..., p: 489.
- 18- "Congregation for The Doctrine of The Faith", Donum Vitae III; Cf. Catechism... p: 490.
- 19- Ibid, 1,2; Cf. Catechism Of The Catholic Church, Veritas. 1st Ed., publication. 1994; p: 490.
- 20- James F. Childress, Op. Cit., pp: 263-264.
- 21- Cf. Ibid; Catechism Of The Catholic Church, Veritas. 1st Ed., publication. 1994; p: 264.
- 22- E. Clinton Gardner, Op. Cit., P.2.
- 23- Ibid; Catechism Of The Catholic Church, Veritas. 1st Ed., publication. 1994; p: 2.
- 24- James F. Childress, Op. Cit., p: 264.
- 25- Ibid; Catechism Of The Catholic Church, Veritas. 1st Ed., publication. 1994; p: 264.
- 26- Ibid; Catechism Of The Catholic Church, Veritas. 1st Ed., publication. 1994; pp: 264-5.